

فریبا کاشانی کبیر
بهمن مه‌آبادی

تکنیک نویسان ویلون

۶- کورللی



* کورللی جایگاه خود را، در میان مصنفان بزرگ جهانی هنر ناب موسیقی، مدیون درک عمیق خود از هارمونی مدرن است. او یکی از اولین آهنگسازانی بود که خیلی از گامها را در یک موومان دوبخشی با موفقیت به کار گرفت و از دیسونانس هرگز نهراسید.



آرکانجلو کورلی

«تکنیک نویسان ویلون» عنوان سلسله مقالاتی است که به منظور معرفی بزرگان ساز ویلون و مصنفان مبتکر آن در جهان به رشته تحریر درآمده است. این گروه تأثیرات عمیقی را در ادبیات موسیقی و فرمهای رایج آن از خود به یادگار گذاشته‌اند. آرکانجلو کورلی یکی از آن بزرگان است.

در مقاله زیر با اشارات کوتاهی به زندگی او، آثارش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و تأثیرات وی در موسیقی قرن هفدهم، از جنبه‌های تصنیف، تکنیک و طرز نوازندگی ویلون، بررسی شده و ضمن آن به تاریخ سونات، فرمهای موسیقی قرن هفدهم و شخصیت‌های مؤثر در دوره زندگی کورلی اشاره شده است.

لحنی پر معنا و کیفیتی برتر، از حیطه صدای بشری فراتر روند.

او با تکنیکی سنجیده و اندیشیده، در حالی که قرابت و وابستگی موسیقی و تکنیک را در نظر دارد، تریوسوناتهای خود را فوق تفکر بشری می‌سازد و در این راه با رد حرکت‌های سریع و دوپل‌تهای مشکل، به جای یک ساز از دو ویلون استفاده می‌کند و آنها را به گفتگویی گرم و دوستانه وامی‌دارد تا در یک مکالمه شبیه به هم، با خط‌های پیوسته ملودی، موسیقیها همچون جویباری به پیش روند و کمک کنند تا کورلی به اثبات نظریه خود نزدیک شود که: «تأثیرسازی موسیقی بر روی تهای کشیده بیش از تأثیر آن در صدای انسان است». او این منطق استادانه را مخصوصاً در موومانهای آرام – جایی که ملودی چون زنجیری به هم پیوسته در جریان است – یا در تهایی که بر روی هم در یک چندصدایی مشترکند و در میزانهایی پی‌درپی به صدا درمی‌آیند، به اثبات می‌رساند. تدبیر اساسی و بنیادین او در موسیقی، پیروی از یک تکنیک برتر است.

شکل کلاسیک هنر موسیقی باروک در ادبیات موسیقی علمی جهان و آثار مربوط به موسیقی ویلون، در سونات‌های ویلون آرکانجلو کورلی^۱ تجسم یافته است. این آثار از دو دیدگاه مهم قابل بررسی است.

۱. از جهت آهنگسازی و بدعت‌گذاریهای کورلی؛
۲. از دیدگاه استادی او در تنظیم برای امکانات تکنیکی ساز ویلون و نوازندگی آنها.
مجموع تریوسونات‌های کورلی در زمره آثار ماندنی موسیقی مجلسی اواخر قرن هفدهم ایتالیا محسوب می‌شود. سلوسونات‌های کورلی و کنسرتوهای این موسیقیدان نامی اواخر دوران باروک^۲ توسعه فرم و گسترش ایده موزیکال را وارد دنیای موسیقی می‌کند که تا پنجاه سال پس از او در اخلافتش مؤثر می‌افتد. کورلی مردی استثنایی و استادی بی‌مانند در میان دیگر آهنگسازان معاصر خود در ایتالیا بود. او با آنکه هرگز موسیقی وکال^۳ تصنیف نمی‌کند اما با هوشی فوق‌العاده و البته ارثی، آوازهای وطنش را با حرارتی فوق‌تصور به ویلون انتقال می‌دهد و آلات موسیقی را وامی‌دارد تا با

* آموزش بولونیایی او، موسیقی کهن ایتالیا، دین عمیق کورللی به آداب و رسوم رومی، کارهای دقیق و از سر فرصتش، تعمق و اندیشه ذاتی و نبوغ بی حدش، میوه‌ای را به بار می‌نشانند که تنها از او برمی‌آید تا همچون اسلافش موسیقی و ایتالیا را به تسخیر درآورد.

او از جمله تکنیک‌نویسانی است که آگاهانه راه خود را انتخاب کرده و به پیش می‌رود.

بدین سبب تصادفی نیست که کورللی اولین آهنگساز بزرگ باروک نامیده می‌شود. ساختمان موسیقی او وسیع و سیستماتیک است. او از توانالیه‌های تقریباً آزاد مازور و مینور به راحتی استفاده می‌کند و در پی یافتن راهی نو در یکی از آثارش، پاسازاس^۷ و ملودی سوپرانو^۸ را به صورت پنجم موازی در مقابل هم قرار می‌دهد. این بدعت تازه، در قانون هارمونی دوره او ممنوع است. انتقادات شدید و درگیریهایی لفظی، کورللی را از کار خود باز نمی‌دارد. او اثبات می‌کند که در موسیقی‌سازی چنین تدبیری مجاز است. در حالی که سه ماه تمام به دعوی خسته‌کننده‌ای تن درمی‌دهد، اما در اکتبر سال ۱۶۸۵ نظریه‌اش را به کرسی می‌نشانند و راه جدیدی را پیش روی مصنفان آینده خود قرار می‌دهد. مودولاسیون^۹های کورللی در درون یک موومان، اغلب به درجه پنجم گام در مینورها و گامهای متناسب در مازورها منطقی و واضح هستند.

او مؤسس معماری تونال^{۱۰} در موسیقی است و در این راه استادانه‌تر و وسیع‌تر از هندل^{۱۱}، ویوالدی^{۱۲}، باخ^{۱۳} و دیگر آهنگسازان نسل آینده‌اش عمل می‌کند. می‌توان گفت که موسیقی او کاملاً دیاتونیک^{۱۴} و کروماتیک^{۱۵} است و محدود به: «یک مقدار هفتم کاسته، و گاهی، به اجبار، به دوم یا در حقیقت ششم ناپلی^{۱۶} در یک کادانس^{۱۷}».

آرکانجلو کورللی در فوسینیانو^{۱۸}، در نزدیکی فانتزا^{۱۹}، در ۱۷ فوریه ۱۶۵۳ در خانواده‌ای ثروتمند و اصیل چشم به جهان گشود. او پس از فراگیری اصول مقدماتی موسیقی و درسهای ابتدایی ویلون، از سال ۱۶۶۶ در بولونیا^{۲۰}، زیر نظر استادان بزرگ و موسیقیدانان مشهور مکتبی به همین نام، به یادگیری و نواختن ویلون پرداخت. در سال ۱۶۷۰ چیره‌دستی آرکانجلو در ویلون‌نوازی درجه مقام علمی او را با عضویت در آکادمی فیلامونیا^{۲۱} بیش از پیش بالا برد. در همین دوران و قبل از ۱۶۸۰، او در یک تور کنسرتی سفری به آلمان انجام داد که نام و آوازه‌اش را در محافل و مجالس منتشر کرد. کورللی در حدود سال ۱۶۷۵ تصمیم گرفت تا برای همیشه به رُم برود. او در رُم با علاقه و پشتکار زیادی به کار پرداخت و در ارکسترهای مختلف، ویلون نواخت. دیگر برجسته‌ترین شده بود که به فستیوال بزرگ در سنت لوییجی^{۲۲} دعوت شد.

کورللی، بین سالهای ۱۶۸۱ تا ۱۷۰۰، پنج اثر از تصنیفهای موسیقی خود را منتشر ساخت - آثاری که در معرفی او به عنوان آهنگساز نقش عمده‌ای داشتند. این سری از ساخته‌های کورللی دربرگیرنده چهار گروه از تریوسوناتهای اوست. دوازده تریوسونات کلیسایی با عنوان اپوس یک، اولین اثر چاپ‌شده او در ۱۶۸۱ (دو ویلون، یک ویلونسل و باس برای ارگ)؛ یازده تریوسونات مجلسی و یک شاکن^{۲۳} - اپوس دو در ۱۶۸۵ (دو ویلون، یک ویلونسل و کلاوسن)؛ دوازده تریوسونات کلیسایی اپوس سه در ۱۶۸۹ (دو ویلون با

باس برای ارگ) و دوازده تریوسونات مجلسی - اپوس چهار در ۱۶۹۵ (دو ویلون و کلاوسن)؛ و بالاخره دوازده سلوسونات برای ویلون و کلاوسن که شش تایی آنها کلیسایی، پنج تا مجلسی و یک واریاسیون^{۲۳} با عنوان اپوس پنج در سال ۱۷۰۰، کارنامه این دوره اوست. و بدین ترتیب کورللی در ۱۶۸۷ به مقام مصنف موسیقی شخص کاردینال پامفیلی^{۲۴} برگزیده می شود. سپس او به عنوان مدیر و مشاور موسیقی کاردینال پیترو اتوبونی^{۲۵}، برادرزاده پاپ و یکی از حامیان مشهور ادب و هنر، منصوب شده و مورد حمایت قرار می گیرد. به طوری که کاردینال اتوبونی، موسیقیدان جوان را به فرزندای خود برمیگزیند و بخشی از قصر خود را در اختیار او قرار می دهد تا وی، به دور از درگیریهای زندگی مادی، به نواختن و آفرینش بپردازد. در سال ۱۷۰۲، کورللی از ناپل دیدن می کند. او تصمیم دارد در ابرای آنجا بنوازد. در این دوران مهارت و استادی ویلون نوازش زبانزد خاص و عام است. در سال ۱۷۰۶ اجازه ورود به آکادمی مشهور آرکادیا^{۲۶} به وی صادر می شود.

آثار کورللی رابط موسیقی قرن هفدهم و هجدهم ایتالیا و اروپاست. بی تردید این موفقیت یکباره برای او فراهم نمی شود. مصنفان و تئوریسینهای پیش از او، زحمات بسیاری کشیده و ابتکارات و بدایع فراوانی را به نمایش گذارده بودند، اما در زمان او کسی تا بدین حد نتوانسته بود چنین تأثیر و تحول عمیقی را به وجود آورد. آموزش بولونیایی او، موسیقی کهن ایتالیا، دین عمیق کورللی به آداب و رسوم رومی، کارهای دقیق و از سر فرصتش، تعمق و اندیشه ذاتی و نبوغ بی حدش، میوه ای را به بار می نشانند که تنها از او برمی آمد، تا همچون اسلافش موسیقی ایتالیا را به تسخیر درآورد. پیش از این نیز یکی از اسلاف کورللی به نام میکال آنجلو رزی^{۲۷} کارهایی برای ارگ و هارپسیکورد تصنیف کرده بود که سراسر آن مملو از ریتمها و ملودیهای بکر و

تازه بود. سلف دیگرش برناردو پاسکویینی^{۲۸} یک استاد و معلم استثنایی به شمار می آمد. برناردو چنان در محافل شهره بود که مردانی چون کریگر^{۲۹}، موفات^{۳۰}، دورانت^{۳۱} و دومینیکو اسکارلاتی^{۳۲} برای مشورت و کسب نظر پیش او می آمدند. با توجه به آثار برجای مانده از پاسکویینی برای ساز هارپسیکورد، معلوم می شود که وی در نظر داشته است سبک جیرولامو فرسکوبالدی^{۳۳}، ارگ نواز بزرگ قرن هفدهم را برای همیشه رواج دهد. اکنون کورللی همچون اجدادش مصمم شده بود که نقش مهم خود را ایفا نماید. پس با تقدیم پنج مجموعه از سوناتهای خود به خانم سوفی شارلوت^{۳۴}، شاهزاده براندنبورگ^{۳۵}، در اول ژانویه ۱۷۰۰، تاریخ موسیقی ویلون قرن هفدهم را برای همیشه می بندد. اولین قسمت مجموعه اهدایی او، شامل شش سونات کلیسایی^{۳۶} برای ویلون و باس، و شش سونات مجلسی^{۳۷} است. یک سونات فینال و بیست و سه واریاسیون روی تمهای موسیقی زمانه اش، و لافولیا^{۳۸} - اثری که سرآغازی بر فرم هموفونیک^{۳۹} در نوازندگی و پرنوتز^{۴۰} است - کار این ویلون نواز متخصص و تکنیک ساز را تقریباً به پایان می برد. سبک او در نوازندگی، چون رسمی جا افتاده، به متدهای موسیقی منتقل می شود. سوناتهای مجموعه پنج تایی او دارای چندین پاسازفوگ^{۴۱} مانند و حتی فوگهای حقیقی با کانتائیله^{۴۲} های دراماتیک، آهنگسازان و مصنفان موسیقی بعد از خود را نیز متأثر می سازد. دوازده کنسرتوگروسو^{۴۳} برای ویلون با عنوان اپوس شش که احتمالاً قبل از سال ۱۷۰۰ و به روایتی در ۱۶۸۲ تصنیف شده اند، بعد از مرگ او در ۱۷۱۴ در آمستردام به زیور طبع آراسته می شود. به نظر می رسد کورللی شخصاً برای چاپ آنها آمادگی داشته، چون در دسامبر ۱۷۱۲ در شهر رُم، آنها را برای چاپ بازبینی کرده است. می گویند کورللی در سرتاسریک دوره سی ساله در باره نحوه آهنگسازی این کنسرتوها می اندیشیده است.



طرح روی جلد یکی از تریوسوناتهای کورللی، منتشر شده در ژنوا، ۱۶۸۹م.

تند-آهسته و تند دارای ضرب مهیج و قوی است. قسمت دوم نیز متناوباً با آهنگ آهسته-تند و آهسته نوای مهیجی دارد. سومین موومان شبیه به یک منوئت ۴۴ یا گاوت ۴۵ ساخته شده است. در این قسمت آهنگ روستایی نشاط‌آوری در گام مازور به گوش می‌رسد، در حالی که کُل کنسرتو در گام مینور است. در ایستادای دوره کلاسیک، کنسرتو گروسو به سویتهایی اطلاق می‌شد که با چهار یا پنج ساز به اجرا درمی‌آمد. از ویژگیهای این نوع کنسرتو آن بود که همه سازها با هم انجام وظیفه می‌کردند و مانند کنسرتوهای امروزی یک ساز به همراهی ارکستر نواخته نمی‌شد. مبتکر این نوع کنسرتو، کورللی بود و پس از او ویوالدی

اولین هشت کنسرتو از این سری، در حالت سنگین و موقر سوناتهای کلیسایی تصنیف شده‌اند. چهار کنسرتوی بعدی او، بازگشت به فرم سوناتهای مجلسی است که موومانهای سرآغاز آن با عنوانهای رقص مشخصند. شماره و آرایش بعضی از موومانهای آثار کورللی بر اثر مرور زمان دچار تغییر شده است. اما سازبندی و بالانس‌سازی این آثار با مواظبت و مراقبت‌های ویژه، از گزند حوادث مصون مانده و امروزه نیز جزو رپرتوار موسیقیدانان و نوازندگان ویلون محسوب می‌شوند. کنسرتو گروسوی شماره هشت در سل مینور، برای کریسمس نوشته شده است، اما این قطعه اصولاً مذهبی نیست. قسمت اول آن با مقدمه



INDEX

Vol. I

Sonata I
Grave Allegro 198

Sonata II
Grave 9

Sonata III
Adagio 14

Sonata IV
Adagio 19

Sonata V
Adagio 24

Sonata VI
Grave 29

Vol. II

Sonata VII
Vivace 198

Sonata VIII
Largo 9

Sonata IX
Largo 14

Sonata X
Adagio 19

Sonata XI
Adagio 24

Sonata XII
Adagio 29

فهرست دوازده سلوسونات برای ویلون و کلاوسن با عنوان ایوس پنج ۱۷۰۰ از آرکانجلو کورلی ۳

هارپسیکورد مستقل یا افه‌های قسمت باس برای ارگ، کمال یافته و به پایان رسیده‌اند. موومانهای سلوی مجموعه پنج‌تایی را باید عرصه بداهه سازبها و آرایه‌ها و تزئینات مخصوص کورلی و وابسته به باروک دانست. اما آهنگسازی کنسرتوها بسیار کاملتر و پیچیده‌تر است. بسیاری از تریوسوناهای کلیسایی کورلی دارای چهار قسمت: آهسته، تند، آهسته و تند هستند.

سونات از نیمه دوم قرن هفدهم در آثار آهنگسازان

و هندل در اقتباس و پرورش آن سهم عمده‌ای داشتند. کورلی در این دوران از فکر تصنیف کنسرتوهای سلو نیز فارغ نبوده است، اما دل‌بستگی‌های او به مقابله دو ویلون و یک ریپنو^{۴۶} یا ارکستر به عنوان کنسرتینو فرصت پرداختن به سلو کنسرتو را به وی نمی‌داده است. کنسرتوهای کورلی برای دو ویلون و ویلونسل در گروه کنسرتینوها جای دارند. اینها اغلب برای دو ویلون، ویولا و باس و در پاره‌ای اوقات برای دوئل جهت صدادهی بیشتر تنظیم شده‌اند. هر گروه با یک

ایتالیایی دیده می‌شود. لگرنستی^{۴۷} نخستین بار در سال ۱۶۶۷، یک سونات در سه قسمت برای چند ساز تصنیف کرد. کورللی تغییراتی در این فرم داد و اصول آن را بر تناوب قسمتهای آهسته و تند بنا نهاد. اصلاحات کورللی در فرم سونات، آن را همچون چهار موومان کانتاتای^{۴۸} دوران او درآورد. با اینهمه برخی از آثار وی در فرمهای موسیقی دیگر آهنگسازان پیش از قرن هفدهم و هجدهم تهیه شده‌اند. تاریخ‌نویسان موسیقی به ارتباط بین تیپ سوناتهای باروک و آثار کورللی معترف بوده‌اند. سوناتهای مجلسی کورللی، چه تریو و چه سلو، معمولاً با پرلود^{۴۹} آغاز می‌شوند و با فرم طبیعی سویت^{۵۰} متابعت دارند. زیرا او با وارد کردن فرمهای رقص و گنجاندن یک گاوت در قسمت پایانی، رشد و بلوغ هنری تریوسوناتهای خود را در قرن هفدهم اثبات کرده است. این موومانها اغلب در یک گام تصنیف شده‌اند، ولی کورللی در کارهای بعدی خود از این رویه پیروی نمی‌کند. سوناتهای سلوی او، معمولاً در گامهای مازور قرار دارند با یک موومان آرام و متناسب با مینور، و کنسرتسلوهای او موومان آرام خود را در گام کنتراست گسترده‌اند و عموماً دارای تم آزاد و مستقلی هستند. با اینهمه، و البته به ندرت، تمهای همانند که شباهتهایی به یکدیگر دارند، در آثار او یافت می‌شوند. به عنوان مثال دو موومان سلو در تریوسونات اپوین سه شماره هفت چنین‌اند. احتمالاً کورللی از کنتراست یا تم فرعی درون موومان نیز غافل بوده است. او تمام موضوع و ایده‌های موزیکال خود را در یک جمله کامل با پایانی قطعی بیان می‌دارد. بعد از معرفی تم، موسیقی آشکارتر جریان می‌یابد و با توسعه آن و مودولاسیونهای کوتاه به گامهای همسایه - جملات و عبارات فریبنده و دلربای متن - بافت و پیوستگی اثر را با تنها تم مطرح، شخصیتی والا و قابل ستایش می‌بخشد که متعلق به آخرین مراحل باروک است. این عمل به موتیوهای^{۵۱} دولوپمان یک تم، در

دوران بعد از کلاسیک، شبیه نیست، بلکه تا اندازه‌ای مربوط به احاطه و مجذوب شدن و نوعی اضطراب و اجبار ناشی از شرایط تصنیف ایده‌های موسیقایی است که گویی بی‌اختیار و خودبه‌خود و خارج از منظور اولیه متولد شده و رشد کرده‌اند. کورللی در پاره‌ای اوقات نیز متد خود را با تکرار برخی از تمها و موضوعات قبلی به پیش می‌برد. با وجود این، باز هم سوناتهای او هرگز به تکرارهای تکاملی سوناتهای کلاسیک شبیه نیستند.

در تریوسوناتهای کورللی موومانها به دو قسمت اصلی و اساسی تقسیم می‌شوند: موومانهای کنتراپونتال^{۵۲} یا نیم خیلی آزادی که روی نت باس قرار می‌گیرد و باعث تکرار مرتب نتهای باس می‌شود - که در تمپوهای آهسته، این نمونه بیشتر در موومانهای اول سوناتهای کلیسایی و مجلسی قرار دارند. اولین موومان در سوناتهای کلیسایی اغلب الگرو و در سوناتهای مجلسی، آلمانند^{۵۳} است که در سبکی آزاد، به شکل فوگ با باس همراه، همچون یک کنتراپونتال عرضه می‌شود. این موومان مرکز ثقل موسیقی سوناتهای کلیسایی باروک است. دومین نمونه حالت هموفونیک اثر است که در دو قسمت مکرر، در بعضی موومانهای رقص سوناتهای مجلسی کورللی مشاهده می‌شود.

کورللی آهنگسازی نبود که آثار خود را با الهام بنویسد. زیرا او تفکر، آموزش، استدلال و آگاهی را در تصنیف آثارش وارد می‌کرد و با تکیه بر همین اساس بود که قابلیت‌های تکنیکی ساز ویلون را در آثار خود دائماً افزونتر می‌ساخت. او از بزرگترین ویلونستهای مسلم دوران خود بود و نقش عمده‌اش در توسعه ادبیات و تکنیک ویلون، نام وی را با سرنوشت این ساز عجین کرده است. کورللی تعلیمات خود را مدیون یک سری رسوم سخت و پیچیده و موروثی بود و به این دلیل، نقش این وراثت در کارهای شاگردانش جمینیانی^{۵۴} و لوکاتلی^{۵۵} به چشم می‌خورد. اگر چه او خودش به‌طور واقعی فرمهایی برای موسیقی نساخت، اما تأثیر عمیق

نبوغ و اصالت او، بدان حد بود که نامش را در ردیف کلاسیکهای پرآوازه جای داد. دکتر چارلز بارنی^{۵۶}، تاریخ‌نگار موسیقی، در نظریهٔ مشهور خود قید کرده است که: «نتیجه و اثر کنسرتوگرو سوهای کورللی بسیار عالی و ممتاز است. این آثار، موقر و سنگین و بلندمرتبه‌اند. آنها با عظمت بی‌مانند خود انتقادات و خرده‌گیریهای مختلف نقّادان و موسیقی‌شناسان را بی‌اثر می‌کنند و خطاهای احتمالی آهنگساز را فرو می‌پوشانند. حالت ارکسترال کنسرتوها، سمفونیها و تریوسوناتهای کورللی باشکوه، درخشان و استادانه است.»

VIOLINO SECONDO
S O N A T E
 A tre, doi Violini, e Violone, o Arcileuto, col
 Basso per l'Organo,
 CONSECRATA
 ALLA SACRA REAL MAESTA:
 DI
CRISTINA ALESSANDRA
REGINA DI SVEZIA, &c.
 DA ARCANGELO CORELLI DA FVSIGNANO,
 Detto il Bolognese.
 OPERA PRIMA.



IN ROMA, Per il Mafcardi. 1689. Con Licenza de' Superiori.

Title-page of Corelli's 'Sonata a tre', Op. 1.

صفحه‌ای از سونات کورللی، اپوس یک

در ریتم ساراباند^{۱۲} وجود دارد و فینال غالباً یک ژیک^{۱۳} باروچ و نشاط است. از طرف دیگر کاراکتر جدی و تقریباً خشک، و فرم ظاهری سونات کلیسایی، بدون هیچ مشکلی در دو موومان نخستین خیلی از سوناتهای مجلسی کورللی ظاهر شده است. همچنین در اولین دو موومان بعضی از آخرین سوناتهای او شباهت به

موسیقی ساختهٔ کورللی در فرمهای کنسرتوگروسو، اورتور^{۵۷}، انترمتسو^{۵۸} و کار برای تئاتر و آثار ارکستری، در دو گروه کنسرتینو و گروسو طبقه‌بندی می‌شوند. کورللی به‌طور قطع بزرگترین سازنده و برپاکندهٔ موسیقی سازی قرن هجدهم در ایتالیا است. دیگر همقطاران او که در برپایی برتر و عظیمتر موسیقی ایتالیا سهم بودند و شهرتی جهانی دارند، عبارتند از: ویوالدی^{۵۹} در ونیز، تارتینی^{۶۰} در پادوا و اسکارلاتی در ناپل. کورللی جایگاه خود را در میان مصنفان بزرگ هنر ناب موسیقی، مدیون درک عمیق خود از هارمونی مدرن است. او یکی از اولین آهنگسازانی بود که خیلی از گامها را در یک موومان دو بخشی با موفقیت به کار گرفت و از دیسونانس^{۶۱} هرگز نهراسید. او در دورهٔ خودش با تصور و تفکر ذاتی کنتراپونتال، آن هم از نوع بدون کالبد و استخوانبندی هارمونیک توانال که در آثار او به‌طور آشکار به چشم می‌خورد، خود را برجسته کرد. او دو روش کنتراپونتال و هموفونیزم را، در یک اشتراک و آمیختگی ذاتی، شالودهٔ آثار خود قرار داده و به تقسیم‌بندی ظاهری سوناتها به کلیسایی و مجلسی وفادار نماند. او به خود اجازه نداد تا این دوگانگی مانعی در مقابلش باشد. همچنانکه به عنوان مثال در موومان سوم سونات کلیسایی او، اغلب یک خط آوازی لیریک



طرح روی جلد یکی از سوناتهای لوکاتلی، شاگرد آرکانجلو کورلی

کند و حقیقتاً نیز زندگی حرفه‌ای و شخصی او توأم با خوشبختی بود. خانه‌اش به موزه‌ای می‌مانست که از ویلونها، تابلوهای نقاشی، کتابها و آثار و اشیای هنری و ارزشمند مملو شده باشد. کورلی در میان آنها زندگی آرامی داشت. اما هشتم ژانویه ۱۷۱۳، دقیقاً در هشتمین روز از سالی که انتظار می‌رفت آثار دیگری را به چاپ

اورتور فرانسوی هویدا است. و بالاخره با در نظر گرفتن تمام اقدامات علمی کورلی در زمینه موسیقی، می‌توان او را بنیانگذار مکتب کلاسیک ویلون قلمداد کرد. او در جستجوی سادگی و استفاده از کیفیات توصیفی سازها، رنجهای بسیاری را متحمل شد. او همیشه سعی داشت خوشبخت زندگی

29. Krieger
30. Muffat
31. Durante
32. Domenico Scarlatti (1685-1757)
33. Girolamo Frescobaldi (1583-1643)
34. Sophi Charlott
35. Brandenburg
36. church sonata
37. chamber sonata
38. la follia di spagna
39. homophnic
40. virtuoso
41. fugal passages
42. cantabile
43. concerti grossi
44. menuet
45. gavotti
46. repleno
47. Giovanni Legrenzi (1626-1690)
48. cantata
49. preludio
50. sulto
51. development motives
52. contrapuntal
53. allemande
54. Geminiani (1679-1762)
55. Pietro Locatelli (1695-1764)
56. Dr. Charles Burney
57. overture
58. intermezzi
59. Antonio Vivaldi (1678-1741)
60. Giuseppe Tartini (1692-1770)
61. dissonance
62. sarabande
63. gigue
64. Pantheon
65. Sergey Vassilievich Rakhmaninov (1873-1943)

□ مأخذ :

- Arnold, Denis. *The New Oxford Companion to Music*. 1984
- Grout, Donald Jay. *Hisotry of Western Music* 1973
- Hindley, Geoffrey. *The Larousse Encyclopedia of Music*. 1974
- Jacobs, Arthur. *A New Dictionary of Music* 1976 .

□ منابع تکمیلی :

- Corelli , Arcangelo. *violin sonatas*. solist: Arthur Gruiax.
- Corelli , Arcangelo. *concerti grossi op. 6*. solisti dell' orchestra "Scarlatti" Napoli. ettore grails.

برساند، مرگ گریبانش را گرفت و در ژم وفات یافت. بعد از مرگ چنان آرام و آهسته خفته بود که برای بازدیدکنندگان تعجب آور می نمود. او را در پانتئون ۶۴، در ژم، به خاک سپردند و به فرمان دوست و پدرش کاردینال اتوبونی، تندیس همیشه جاویدش را از مرمر تراشیده و بر آرامگاهش نهادند. با این حال، حرکت در مسیر کورللی هنوز پایان نیافته بود. جمینیانی سونات برای ویلون و کلاوسن اپوس پنج را برای ویلون و باس به صورت کنسرتوگروسو تنظیم می کند و درست یک سال بعد از مرگ این موسیقیدان بزرگ به اجرا می گذارد. و نیز در ۱۹۳۱ سرگی رخمانینف ۶۵ واریاسیونی را روی تیم لافولیا از کورللی برای پیانوی تنها، زیر عنوان اپوس ۴۲، تصنیف می کند. از آن پس نیز همه دست اندرکاران موسیقی و ویلون نام کورللی را گرامی داشته اند.

1. Arcangelo Corelli (1653-1713)
2. trio sonata
3. solo sonata
4. Baroque
5. vocal
6. movement
7. bass
8. soprano
9. modulation
10. tonal
11. George Fridric Handel (1658-1759)
12. Antonio Vivaldi (1678-1741)
13. Johan Sebastian Bach (1685-1750)
14. diatonic
15. chromatic
16. neapolitan sixth
17. cadence
18. Fusignano
19. Faenza
20. Bologna
21. st. luigi ei francel
22. chaconne
23. variation
24. Pamphili
25. Ottoboni
26. Academia Arcadia
27. Michel Angelo Ross (1600 - 1674)
28. Bernardo Pasquini (1637-1710)